



نیتی که آدمی را مخلد در دوزخ می کند/ وجه نامیدن قیامت به «ساهره»

آیت الله جوادی آملی با بیان اینکه نیت کفر تنها نیتی است که قائل به آن را مخلد در دوزخ می کند، گفت: شخصی که کفر در قلب او راسخ است...

آیت الله جوادی آملی با بیان اینکه نیت کفر تنها نیتی است که قائل به آن را مخلد در دوزخ می کند، گفت: شخصی که کفر در قلب او راسخ است اگر سالیان متمادی بماند همین است، چیزی که نه انقلاب عصا به صورت ثعبان او را تربیت کرد، نه مشاهده ید بیضا او را هدایت کرد، نه دیدن آن آیات نه گانه دیگر، خب اگر کسی این چنین شد این اگر در تمام دنیا هم عمر داشته باشد مثل شیطان است.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله عبدالله جوادی آملی در تفسیر آیات 166 و 167 سوره بقره: **اَتَّبِعُوا مَنَ الْذِّینَ اَتَّبَعُوا مَنَ الْذِّینَ اَتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ * وَقَالَ الَّذِينَ اَتَّبَعُوا لَوْ اَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَّبَرُ مِثْلَهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا كَذٰلِكَ یَرِیْهِمُ اللّٰهُ اَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَیْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارَجِیْنَ مِّنَ النَّارِ تَأْكِیْدَ كَرْد:** مهم ترین مطلبی که این آیات در بردارد همان مسئله تجسم اعمال و مسئله خلود کافران در نار است.

وی با بیان اینکه مسائلی که درباره خلود اهل نار مطرح است در چند امر خلاصه می شود، افزود: امر اول استفاده از ظواهر آیات است که به خوبی ظواهر آیات قرآن کریم دلالت می کند بر اینکه عده ای در آتش مخلدند و در دلالت اینها بر خلود عده ای در نار حرفی نیست (به نحو قضیه موجه جزئی)، چون گرچه جهنم پر از تبهکاران خواهد شد طبق آیه **لَا مُلْأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِیْنَ**؛ ولی مخلدین در نار کم اند و الآن بحث در خلود همان گروه اندک است یعنی همان کفار معاند و منافق لجوج که جزء **أَلْذِ الْخِصَامِ** اند، پس ظواهر آیات به خوبی دلالت می کند بر اینکه عده ای در نار مخلدند. پاسخ شبهه ناسازگاری خلود با رحمت الهی

صاحب تفسیر تسنیم خاطرنشان کرد: آنچه که از این آیه مبارکه استفاده می شود دو مطلب مهم است که یکی تجسم اعمال است، دیگری مسئله خلود کافران در نار... درباره خلود چند مطلب مطرح است: یکی اینکه ظواهر آیات دلالت می کنند؛ یکی اینکه ظواهر روایات هم ظواهر آیات را تأیید می کنند؛ یکی اینکه نه مخصص لبی هست، نه مخصص لفظی؛ نه دلیل عقلی بر خلاف خلود هست، نه دلیل نقلی. احیاناً ممکن است به بعضی از آیات الهی استشهاد بشود که این با خلود سازگار نیست: یکی مسئله رحمت حق است که عقل و نقل، خدای سبحان را به عنوان ارحم الراحمین می شناسند، اگر رحمت خدای سبحان نامحدود است و هیچ رؤوفی مثل خدا رحیم نیست چگونه خدای سبحان عده ای را به عذاب ابدی گرفتار می کند و هرگز آنها را مشمول رحمت قرار نمی دهد؟

وی پاسخ داد: در جواب این مطلب عرض شد که رحمت خدای سبحان يك رحمت انفعالی و عاطفی نیست، خدای سبحان يك رحمت مطلقه دارد که آن رحمت مطلقه نقشه عالم را تنظیم می کند و بهشت و جهنم (هر کدام) را در جای خود قرار می دهد که جهنم و تعذیب جهنمیان طبق نقشه آن رحمت مطلقه است، بهشت و اکرام بهشتیان هم طبق آن رحمت مطلقه است؛ چه اینکه در سوره «اعراف» فرمود: **عَذَابِيْ اُصِیْبُ بِهِ مَنۡ اَشَاءُ وَرَحْمَتِيْ وَسِعَتْ كُلَّ شَیْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِیْنَ یَتَّقُوْنَ وَیُؤْتُوْنَ الزَّكَاةَ وَالَّذِیْنَ هُمْ بِآیَاتِنَا یُؤْمِنُوْنَ** و مانند آن که، آن رحمت مطلقه هم جای غضب و مظاهر غضب را مشخص می کند هم جای رحمت خاصه و مصادیق رحمت خاصه را بازگو می کند. و نشانه آن رحمت آن است که اگر کسی کفر و نفاق ورزید، در آن روز 50 هزار سال، باید قبل از ورود در جهنم گرفتار مشکلات و مواقف قیامت باشد، پس اگر خدای سبحان رؤوف و رحیم است چگونه عده ای را 50 هزار سال معطل می کند؟ - البته آن 50 هزار سال برای مؤمنین به مقدار يك نماز واجب ظهور می کند؛ ولی نسبت به کفار و منافقان بالأخره 50 هزار سال است و حداقل 50 هزار سال از سالهای دنیا - معلوم می شود که رحمت خدای سبحان به معنای عاطفه و دلسوزی نیست (اولاً) و رحمت خدای سبحان آن است که هر موجودی را به اندازه استعدادش به کمال لایق برساند (ثانیاً)، نشانه دیگرش هم جریان شیطان (علیه اللعنه) است.

عذاب دائمی شیطان، پاسخی بر شبهه ابدی نبودن دوزخ

آیت الله جوادی آملی در پاسخ به شبه کسانی که دوزخ را ابدی نمی دانند، گفت: آنها که احیاناً می پندارند جهنم ممکن است از بین برود و آتش اصلاً افسرده و خاموش بشود؛ جریان شیطان را چگونه جواب می دهند؟ ممکن است عده ای بگویند که این «خالدین فی النار» یعنی تا آتش هست کفار در آتش اند؛ این ابدیت در نار دلالت نمی کند بر ابدیت نار؛ یعنی اگر آیات می گوید کافران برای ابد در جهنم اند دلالت نمی کند که جهنم ابدی است؛ نظیر حبس ابد است، حبس ابد یعنی مادامی که این محبس هست این شخص محبوس است؛ ولی اگر روزی بساط زندان برچیده شد و زندان ویران شد دیگر ابدیت برای حبس معنا ندارد. ممکن است خلود در نار به این معنا باشد که تا آتش هست اینها در نار مخلدند، ممکن است يك روزی نار از بین برود.

وی افزود: خب اگر کسی چنین برداشتی از این آیات داشته باشد و احتمال بدهد که آتش رأساً از بین برود، او شیطان را چه می کند، شیطان هم از بین می رود یا نه؟ آیا شیطان از بین می رود یا هست اگر هست؟ در جهنم هست یا در بهشت؛ یا نه در

جهنم و نه در بهشت؟ اگر شیطان برای ابد هست و برای ابد معذب است، پس نار هم ابدی خواهد بود. احتمال اینکه يك روزي بساط جهنم برچیده شود و خدا جهنمي نداشته باشد (برای اینکه خدا ارحم الراحمين)، است این با سایر مباحث و مسائل قرآنی سازگار نیست. حالا این بحث کم کم خودش را بازتر نشان می دهد و جریان شیطان در این مسئله کمک می کند. قهر و لعن دائمی خدای سبحان بر شیطان در قرآن/ کفر، گناه نامحدود و ابدی است

این مدرس عالی حوزه با اشاره به آیات پایان سوره مبارکه «ص» تصریح کرد: وقتی جریان قهر و لعن خدا بر شیطان مطرح است این چنین می فرماید: قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَتَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ * قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّمَّا خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ * قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ * وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ اگر کسی این چنین بگوید که جزا وفق عمل است و خیال بکند عمل نظیر همین اعمال جوارحی دنیا يك حد خاص دارد، خب چگونه يك معصیت باعث لعنت برای همیشه در دنیا و برای عذاب در آخرت شد؟ اینکه خدای سبحان به شیطان فرمود: تو از این منزلت تنزل کن، مرجومی و لعنت من بر توست تا روز معلوم (تا قیامت)، خب اگر کسی يك گناه کرد باید يك سال لاقل عذاب ببیند، چرا در طی قرون و اعصار؟

وی افزود: معلوم می شود گناهان یکسان نیست (کفر و استکبار در برابر خدا با معاصی عادی یکسان نیست) ممکن است کسی 70 سال غیبت کند، 70 سال سرقت کند، 80 سال دروغ بگوید و امثال ذلك، اینها محدود است و کیفرش هم محدود؛ ولی اگر کسی کفر ورزید - معاذالله - این يك امر ابدی است، لذا در برابر يك گناه خدای سبحان نفرمود لعنتم تا قیامت دامنگیر توست، [بلکه فرمود] برای این استکبارت [لعنتم تا قیامت دامنگیر توست]. چون در حقیقت استکبار او در پیشگاه خدا بر خدا بود نه بر آدم، نسبت به آدم تفاخر کرد گفت: أَنَا خَيْرٌ مِّمَّا، در برابر خدای سبحان استکبار کرد گفت به نظر من، من بهتر از اویم، شما تشخیصتان این است که آدم از من بهتر است ولی من نظرم آن است که من از آدم بهترم، این در برابر خدا قرارگرفتن است و گرنه يك معصیت عادی که گرفتار عذاب الی یوم الدین نمی کند! لعنت خدا هم صفت فعل اوست یعنی دائماً عذاب می فرستد، فرمود: وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

این مفسر قرآن تصریح کرد: اینکه يك موجود خود را در برابر خدا ببیند این کفر است. يك انسان کافر همین حرف را می زند؛ به او می گویند خدا می گوید برای بشر وحی و رسالت لازم است و مردم را قانون الهی باید اداره کند، این ملحد می گوید اولاً خدایی نیست - معاذالله -، بر فرض هم باشد او نظر خودش را گفته نظر ما این است که اندیشمندان بشری باید بشر را اداره کنند. خب این حرف استکبار بر خداست، این با معصیت سرقت، شرب خمر، کذب، دروغ و غیبت فرق می کند. جزا وفق عمل است اما تا عمل چه باشد.

رهبری غضب خداوند توسط رحمت الهی

وی بر اساس آیه 45 سوره انعام فقطع ذابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ تأکید کرد: هر چه در عالم اتفاق می افتد رحمت و نعمت است - به لحاظ کل عالم، گرچه برای عده ای ناگوار باشد - در آیه 45 سوره «انعام» این چنین فرمود: عده ای از مستکبران در برابر انبیای الهی به مبارزه برخاستند، ما آنها را از نعم گوناگون برخوردار کردیم، در بعضی از مواقع آنها را آزمودیم و آنها متوجه نشدند و همچنان بر نسیان و غفلتشان ادامه دادند، ما آنها را ریشه کن کردیم و از بین بردیم، أَحَدَثَاهُمْ بَعَثَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ؛ آنها هم مبلس و سراسیمه شدند، آنگاه فرمود: فقطع ذابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ فرمود: ریشه ظالمین کنده شد، خدا را شکر. خب حمد در برابر نعمت است، با اینکه این عذاب الهی است و قهر خداست، نفرمود «ان الله منتقم، ان الله شديد العذاب»، فرمود: خدا را شکر که ریشه ظالم برداشته شد.

آیت الله جوادی آملی خاطرنشان کرد: معلوم می شود آن رحمت مطلقه است که نقشه می کشد؛ عده ای را هدایت می کند، مهلت می دهد، راههای توبه را باز می گذارد، اگر کسی با داشتن همه این راههای توبه و انابه برنگشت، چندین بار خدا مهلت داد دوباره برنگشت، چندین بار خدا صرف نظر کرد سه باره برنگشت، آنگاه خدا ریشه کن می کند، بعد می فرماید: خدا را شکر کنید این نعمت است. معلوم می شود زمام کار به دست خدای رحمان است؛ نه خدای منتقم، انتقام را رحمت رهبری می کند که کجا انتقام بگیرد و کجا انتقام نگیرد، مثل انسان نیست که وقتی انتقام می گیرد برای تشقی خودش باشد حالا هرچه شد، خدای سبحان که رحمت دارد و آن رحمت، انتقام را هدایت می کند که کجا عفو کند و کجا انتقام بگیرد، لذا فرمود: خدا را شکر کنید که دابر، اصل و ریشه ظالمین کنده شد.

حال اهل ایمان و کفر در صحنه قیامت

صاحب تفسیر تسنیم با بیان اینکه روز قیامت معادل 50 هزار سال دنیوی است، افزود: این 50 هزار سال برای مؤمنین به اندازه پنج، شش دقیقه است (طبق همان روایتی که در ذیل آیه سوره «معارج» آمده). «ما أطول هذا اليوم»، چه روز طولانی است (يك روز 50 هزار سال)، حضرت فرمود: «والذي نفس محمد بيده»؛ قسم به ذات کسی که جانم در دست اوست این روز برای مؤمنین به اندازه صلات مکتوبه است (به اندازه يك نماز واجب خواندن) حالا يك نماز چهار رکعتی مثلاً ده دقیقه است. برای کسی که 50 هزار گناه را پشت سر گذاشت (زیر پا گذاشت) در پنجاه مورد امتحان خوبی داد این 50 هزار سال می شود پنج، شش دقیقه.

وی وضعیت روز قیامت را برای کافران 50 هزار سال خواند و گفت: این 50 هزار سال به آنها چه چیزی می دهند؟ غیر از عرق و چرک به او چه می دهند؟ در آن 50 هزار سال جایی خود را که نمی بینند، آن آیات قیامت را اگر بررسی بفرمایید معلوم می شود

چقدر بر این کفار در همان نشئه قیامت سخت می‌گذرد (قبل از ورود در نار)؛ حالت انتظار هست، جای خود را هم که نمی‌بینند. وقتی از حضرت سؤال می‌کنند که اینها در این روز چه می‌خورند؟ فرمود: آنجا هر کسی مهمان سفره خودش است. وقتی از امام سؤال می‌کنند که آن روز کسی باز فرصت غذا خوردن دارد؟ فرمود: بله؛ بهشتیها غذا دارند، جهنمیها غذا دارند.

آیت الله جوادی آملی تأکید کرد: انسان بالآخره اجوف است و غذا می‌خورد؛ منتها هر کسی در کنار سفره خودش نشسته. جای پای خود را هم که نمی‌بیند، رفیق او که مؤمن است در کنار او ایستاده است یک فضای باز و روشنی دارد، این که در کنار اوست جایش تاریک است، جایی را هم که نمی‌بیند، خب این 50 هزار سال چه می‌کند؟ حالا اگر کسی مؤمن بود یک مقدار معصیت داشت، 50 هزار سال کمتر می‌شود؛ ولی حداقل آن است که برای کافر لجوج مثل آل فرعون و صدام که 50 هزار سال است (در این [مطلب] که تردیدی نیست).

زمین قیامت

زمین قیامت این است؛ پنجاه هزار سال اینها معطل‌اند بعد وارد جهنم می‌شوند، خب این تازه قرنطینه است؛ ولی این قرنطینه برای افراد روشن سالم پنج دقیقه معطلی دارد؛ یک شناسنامه و یک شناسایی و یک اذن ورود. همین آیه سوره «معارج» که تَعْرِجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مرحوم امین‌الاسلام در مجمع‌البیان ذیل همین آیه نقل کرد که حضرت فرمود: «والذي نفس محمد بيده» این روز یعنی روز قیامت برای مؤمن مثل نماز مکتوبه است حالا هر چقدر طول می‌کشد، این چند دقیقه در این قرنطینه معطل است بعد فَاذْخُلُوهَا خَالِدِينَ؛ دیگران 50 هزار سال در این قرنطینه معطل‌اند بعد می‌گویند: وارد جهنم بشوید اینجا هم خَالِدِينَ فِيهَا. و اگر معلوم بشود که انسان مهمان سفره خودش است و عمل هرگز از بین نمی‌رود، اگر عمل قلبی نباشد یعنی روح طاهر باشد، انسان موحد باشد، مؤمن و مسلمان باشد، خدا، قیامت، انبیا، اولیا و اهل بیت را قبول داشته باشد بعد گناه بکند البته این گناهها محدود است و کیفرش هم محدود است و پاک می‌شود؛ ولی اگر به آن کفر درونی رسید، آنکه از بین نمی‌رود، که آن را باید در مسئله عدل و آن مقام ثانی که اشکال عقلی را توجیه می‌کند طرح کنیم.

وجه نامیدن قیامت به «ساهره»

وی در بخشی دیگر از تفسیر آیات 166 و 167 سوره بقره به تبیین واژه «ساهره» پرداخت و گفت: قیامت را ساهره می‌گویند، برای اینکه کسی خوابش نمی‌برد چون سهر با های هوز یعنی بیداری، آن زمینی که انسان از ترس خوابش نبرد می‌گویند «ارض ساهره» خود این زمین بیدار است یعنی «یسهر اهلها». خب آن روز کسی خوابش نمی‌برد (از شدت عذاب)، از این جهت فُذِّدَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ. نه ساهره یعنی زمین باز، زمین باز را در آیه سوره دیگر مشخص کرد که فرمود: يَسْأَلُوكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا * فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا * لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا این نشانه باز بودن و پهنه زمین است که زمین باز است؛ اما خصوصیت آن زمین را این آیه مشخص می‌کند که این زمین جای خواب نیست، خواب را از آدم می‌برد ... خب اینها که 50 هزار سال نه غذا دارند مگر همان «غسلین»؛ نه طعام دارند مگر همان «ضریع»؛ نه نوری دارند که جای خود را ببینند، این 50 هزار سال چگونه با رحمت و عدل هماهنگ درمی‌آید؟

ترتیب ثواب بر حدوث و بقای ایمان

وی افزود: مؤمن هر لحظه در نامه عمل او ثواب نوشته می‌شود چه خواب چه بیداری، کافر هر لحظه در نامه عمل او عقاب و گناه نوشته می‌شود چه خواب چه بیداری، اینکه در بعضی از روایات آمده مؤمن مادامی که ساکت نشسته است فرشته‌ها ثواب می‌نویسند و وقتی شروع به کار و حرف کرد آنگاه حساب می‌کنند، برای این است که بر انسان واجب است به اصول دین معتقد باشد (ایمان بما جاء به الوحي واجب است) مؤمن به این واجب حدوثاً و بقائاً امتثال کرد و دارد امتثال می‌کند، در برابر امتثال تکلیف ثواب هست، پس هر لحظه برای مؤمن ثواب می‌نویسند. مگر ایمان آوردن واجب نیست؟ مگر حدوث و بقا یکسان نیست؟ مگر خدا در برابر امتثال ثواب نمی‌دهد؟ خب پس جان مومن - آن جانی که هرگز نمی‌خوابد، چون بدن می‌خوابد نه روح - آن جان این گوهر را حفظ کرد، در خواب و بیداری «آناء اللیل و اطراف النهار» برای مؤمن ثواب می‌نویسند.

راز خلود در دوزخ

این مدرس عالی حوزه در تبیین راز خلود در دوزخ گفت: در کتاب توحید مرحوم صدوق «باب الاطفال» - که اطفال بعد از مرگ چه می‌شوند - دوازده حدیث نقل شده است در بعضی از نسخ حدیث سیزدهمی نقل می‌شود که آن حدیث در ذیل این صفحه آمده که از امام باقر(ع) از آبی کرامش نقل می‌کند که امیرالمؤمنین(ع) فرمود: رسول خدا(ص) روزی در مسجد نشسته بودند مرد یهودی وارد شد از حضرت سؤالاتی کرد و جوابهایی شنید، یکی از آن سؤالات این است که چرا مردم عصر نوح(ع) به غرق همگانی مبتلا شدند و چرا به نسل اینها رحم نشد؟ حضرت جواب داد که سالیان متمادی اینها عقیم بودند، فرزندی نداشتند و امثال ذلك، وقتی عدل خدا مطرح شد آنگاه این شخص سؤال کرد «فان كان ربك لا يظلم فكيف يخلد في النار ابد الابدين من لم يعصه الا اياما معدودة»؛ اگر خدای سبحان به احدي ستم نمی‌کند پس چرا کافرانی که در دنیا بیش از چند روز گناه نکردند خدای سبحان اینها را برای ابد در عذاب مخلد می‌کند؟ حضرت در جواب فرمود: «يخلده علي نيته فمن علم الله نيته انه لو بقي في الدنيا الي انقضائها كان يعصي الله عزوجل خلده في ناره علي نيته و نيته في ذلك شر من عمله و كذلك يخلد من يخلد في الجنة بانه ينوي انه لو بقي في الدنيا ايامها لاطاع الله [تعالی] ابدًا و نيته خير من عمله فبالنيات يخلد اهل الجنة في الجنة و اهل النار في النار و الله عزوجل يقول قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلي شاكلته فَرُبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا بعد در ذیل آیه سوره مبارکه اسراء را خواندند.

وی افزود: خب حضرت فرمود محور خلود نیت است، با اینکه در روایات فراوانی داریم که نیت گناه، گناه نیست، خب این کدام

نیت است که نه تنها گناه است بلکه عامل خلود است؟ این همین نیتی است که حضرت تشریح کرد؛ فرمود این شخص - برابر همین آیه سوره «انعام» - شخصی که کفر در قلب او راسخ است او اگر سالیان متمادی بماند همین است، چیزی که نه انقلاب عاصی به صورت ثعبان او را تربیت کرد، نه مشاهده ید بیضا او را هدایت کرد، نه دیدن آن آیات نه‌گانه دیگر، خب اگر کسی این‌چنین شد این اگر در تمام دنیا هم عمر داشته باشد مثل شیطان است. شیطان هم این‌چنین است؛ شیطان به جایی که در برابر آن توبیخ الهی متنبت بشود، گفت «به عزت تو دست به گمراهی می‌زنم»، خب چنین موجودی البته مخلص در نار است، این هر لحظه دارد گناه می‌کند. در همین سوره «انعام» وقتی خدای سبحان می‌گوید: آنها التجا می‌کنند می‌گویند ما را برگردان تا ما ایمان بیاوریم، می‌فرماید: این‌چنین نیست، ما اگر بدانیم اینها ایمان می‌آورند که برمی‌گردانیم، اینها اگر برگردند باز همین کفري که داشتند دارند: لَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ این يك امر ثابت است و ما آنها را برای همین عقاب می‌کنیم. و چون از جان اینها جسم اینها آبیاری می‌شد، الآن هم از جان اینها آتش می‌جوشد جسم اینها آسیب می‌بیند.

خلود در دوزخ نتیجه رسوخ ملکه کفر

آیت الله جوادی آملی تأکید کرد:.... این روایت که حضرت فرمود «عامل خلود نیت است» نه یعنی صرف میل، آنچه که باعث تراوش گناه است اعتقاد است؛ مثل اینکه آنچه که باعث تراوش اطاعت است ایمان است؛ چرا بهشتیها برای ابد در بهشت‌اند؟ برای اینکه ایمانی دارند که این ایمان راسخ است و زوال‌ناپذیر، «لا یحرکه العواصف» است، اگر هم مثل اویس قرن سخن نگویند - که ای کاش دنیا يك شب بود و من تمام شب را به سجده به سرمی‌بردم می‌گفتم «هذه ليلة السجود» - لا اقل در حد اوساط مؤمنین هستند که تا هستند همین عبادات را دارند. آنچه که باعث خلود است ایمان و اعتقاد است که امر مجرد قلبی است و روح هم امر مجرد است و ثابت و از این اعتقاد، برکات به این بدن می‌رسد، چه اینکه از آن اعتقاد سوء شرور دامنگیر بدن می‌شود.